برترین روزنامه‌ها

وزارتخانه حساس

سرمقاله دیروز صبح‌نو معرفی وزیر آموزش و پرورش و الزامات این وزارتخانه را مورد توجه قرار داد و نوشت: ۱۵میلیون و ۶۱۳هزار و ۵۴۶نفر آمار رسمی تعداد دانش‌آموزان کشور در سال تحصیلی جاری بنا بر اعلام وزارت آموزش‌وپرورش کشور است. اگر به این تعداد معلمان و عوامل مرتبط نظام آموزش‌وپرورش را هم اضافه کنیم به یک عنوان می‌رسیم: مهم‌ترین و پرمخاطب‌ترین وزارتخانه کشور. انتخاب وزیر آموزش‌وپرورش همیشه دارای حساسیت و حواشی خاص خودش است. روز گذشته(سه‌شنبه) دومین وزیر پیشنهادی دولت سیزدهم هم که به مجلس معرفی شده بود، بعد از صحبت مخالفان و موافقان به هیئت دولت راه پیدا نکرد. طبق قانون برای وزارتخانه بیشتر از سه‌ماه نمی‌توان سرپرست قرار داد و دولت تنها یک هفته فرصت معرفی وزیر پیشنهادی سوم را دارد. بحران کرونا و مسائل آموزش‌های آنلاین و مشکلات ریز و درشت آموزش‌وپرورش هر روز گسترده‌تر می‌شود، با همه این مسائل مشکلات و کمبود معلمان برجسته و ویژه است، به عنوان مثال مقطع ابتدایی منطقه۶ آموزش‌وپرورش در حال حاضر با کمبود ۱۰۲معلم مواجه است که مشتی است نمونه خروار. هرچه از اهمیت آموزش‌وپرورش بگوییم کم است، ضمن آنکه با توجه به حساسیت ویژه نمایندگان مجلس به وزیر این وزارتخانه حساس، امیدواریم وزیر پیشنهادی آتی دارای جامعیت کامل، مدرک و رشته تحصیلی مرتبط و سابقه درخشان آموزشی و آشنا به مشکلات فرهنگیان باشد.

در استخدام واژه‌ها مراقب باشید

مدیر مسئول کیهان در یادداشتی خطاب به معاون سیاسی وزارت امور خارجه از وی خواسته است در استخدام واژه‌های دوپهلو که امکان سوءاستفاده طرف امریکایی در مذاکرات را فراهم نماید، احتیاط کند. در این یادداشت می‌خوانیم: این روزها برخی از مسئولان وزارت امور خارجه کشورمان درباره مذاکرات هسته‌ای از واژه‌ها و عباراتی استفاده می‌کنند که در معنا و مفهوم می‌توانند بیش از یک مصداق داشته باشند. این واژه‌ها که در ادبیات سیاسی به «واژه‌های دوپهلو» شهرت دارند، زمینه مناسبی برای تحریف در اختیار حریف می‌گذارد و از این رو، دقت در انتخاب واژه‌ها و کلمات، مخصوصاً در جریان مذاکرات از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از آنجا که امریکا در محافل و مجامع حقوقی، به بهره‌گیری گسترده از واژه‌های دوپهلو (جنگ کلمات) شهرت دارد، توجه به این نکته و دقت در استخدام واژه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. امریکایی‌ها در مذاکرات منتهی به برجام، بارها از این ترفند استفاده کرده و از همین رهگذر کلاه گشادی برای برنامه هسته‌ای کشورمان تدارک دیده و در متن برجام گنجانده‌اند!

نویسنده اضافه کرده است: جناب آقای دکتر باقری، معاون سیاسی وزارت امور خارجه کشورمان در تشریح اهداف ایران در مذاکرات پیش روی (هشتم آذر) تأکید داشتند که «لغو مؤثر تحریم‌های غیرقانونی امریکا یک ضرورت و اولویت اصلی مذاکرات پیش‌رو است»! استفاده جناب ایشان از عبارت «تحریم‌های غیرقانونی امریکا»! می‌تواند این تلقی و برداشت غلط و مورد سوءاستفاده حریف را در پی داشته باشد که انگار تحریم‌های امریکا علیه ایران شامل دو بخش «قانونی»! و «غیرقانونی» است! چراکه وقتی از قید «غیرقانونی» استفاده می‌شود، معنای دیگر آن می‌تواند، این باشد که بخشی از تحریم‌های امریکا علیه ایران، قانونی! است و لغو آنها در دستور کار تیم هسته‌ای کشورمان نیست! بی‌تردید جناب دکتر باقری چنین منظوری نداشته‌اند و با توجه به تصریح چندباره رهبر معظم انقلاب بر لغو همه تحریم‌ها، نمی‌توانند منظور دیگری داشته باشند. با این حال، انتظار آن است که جناب دکتر باقری نیز از عبارت لغو همه تحریم‌ها استفاده کنند تا راه بر سوءاستفاده حریف بسته باشد.

مدیر مسئول کیهان افزوده است: اشاره به بخشی از نظرات صریح حضرت آقا در این خصوص ضروری و راهگشاست. ایشان می‌فرمایند: «آن طرفی که حق دارد برای ادامه کار برجام شرط معین کند ایران است. علت هم این است که ایران از اول به تمام تعهدات برجامی خودش عمل کرد، جمهوری اسلامی به تمامی تعهدات برجامی عمل کرد، آنها نقض کردند. ما حق داریم برای ادامه برجام شرط بگذاریم....»

تصمیم بزرگ دولت

روزنامه شرق در یادداشت دیروز خود به مسئله کسری بودجه دولت اشاره کرد و نوشت: دولت کسری بودجه زیادی دارد و درآمدهایی که پیش‌بینی کرده محقق نمی‌شود اما هزینه‌های دولت افزایش پیدا کرده است. نویسنده شرق در بخش پایانی این یادداشت اضافه کرده است: لازم است در بحران مالی و اقتصادی فعلی، دولت کسری بودجه را نه با افزایش مالیات کارگران، کارمندان و تولیدکنندگان بلکه از سازمان‌هایی که تاکنون مالیات نداده‌اند، شروع کند. مطالبه شفافیتِ هزینه‌کرد و درآمد دولت و تأمین کالاها و خدمات عمومی ارتباط بین جامعه مدنی، دولت و اقتصاد را نشان می‌دهد. ساختار طبقاتی و نحوه تعامل و ارتباط طبقات با نخبگان سیاسی متغیرهای مهم دیگری هستند که نشان‌دهنده رویکرد تعاملی و ارتباطی بین سه عرصه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. سیاست‌های مالیاتی دولت می‌تواند نحوه سازماندهی فعالیت‌های اقتصادی را متأثر کند. معافیت‌های مالیاتی، مشوق‌های مالیاتی و بخشودگی‌ها می‌تواند تسهیل‌کننده نوع خاصی از فعالیت‌های اقتصادی یا مانع برخی دیگر باشند. نظام مالیاتی تأثیرات وسیعی بر حوزه‌هایی مانند خانواده، ازدواج، میزان انحرافات و مهاجرت می‌گذارد. نظام مالیاتی و نحوه درآمدزایی و هزینه‌کرد دولت نشان‌دهنده مجموعه‌ای از روابط بین کنشگران، فعالیت‌ها، قواعد و قوانین و زمینه‌های اجتماعی و تاریخی است. فرار مالیاتی، بخشودگی‌های نامناسب مالیاتی و وجود سازمان‌هایی که با ندادن مالیات جامعه مدنی را نادیده می‌گیرند، نشان‌دهنده آرایش نامناسب دولت با جامعه مدنی و اقتصاد است. در وضعیت فعلی دولت می‌تواند از بازبینی و بازاندیشی در معافیت‌های مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی ارتباط و تعامل بهتری با جامعه مدنی برقرار کند و وضعیت را بهبود بخشد.

اراده ترکیه برای توسعه روابط واقعی است؟

روزنامه خراسان سفر چاووش اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه به تهران در اوج فضای تنش‌آلود رسانه‌ای میان دو طرف را حائز اهمیت ویژه توصیف کرد و نوشت: جمهوری اسلامی ایران به ویژه دولت سیزدهم نشان داده که در بحث تقویت مناسبات با همسایگان خود به ویژه دولت ترکیه، هیچ‌گاه مرزی را به عنوان نقطه نهایی مشخص نکرده و همواره با روی گشوده بر توسعه فزاینده همکاری‌ها تأکید کرده است اما در وضعیت کنونی ترسیم نقشه راه همکاری بلندمدت در مناسبات دو کشور علاوه بر زمینه‌های عینی همانند تقویت همکاری‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تجارت، نیازمند تعدیل سیاست‌های آنکارا در سطح منطقه‌ای است. دولتمردان ترک باید به این امر واقف باشند که تهران در معادلات و بحران‌های مهم منطقه‌ای همانند قره‌باغ، بحران سوریه، یمن و... ملاحظات ویژه خود را دارد، لذا اساساً نزدیک شدن مواضع و حتی همکاری میان دو کشور در مواجهه با هریک از بحران‌ها می‌تواند پیش‌شرط ورود به نقشه‌راه همکاری بلندمدت و استراتژیک باشد. قطعاً ایران هم جایگاه ویژه‌ای برای روابط با این همسایه غربی خود قائل است اما این به معنی دادن چک سفید امضا به هیچ کشوری نیست.

گزارش یک

مرتضی سیمیاری

دلیل علاقه عجیب گروسی برای سفر به تهران چیست؟

چشم آژانس کور است!

مدیرکل آژانس انرژی اتمی بار دیگر می‌آید، خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد درخواست رافائل گروسی پذیرفته شده و مدیر آژانس به زودی به تهران سفر می‌کند و با وزیر امور خارجه ایران و رئیس سازمان انرژی اتمی دیدار خواهد کرد، البته گروسی تمایل دارد در سطحی بالاتر در تهران رایزنی کند. او مدتی قبل در یک کنفرانس خبری اعلام کرد آرزو دارد با رئیس‌جمهور ایران گفت‌وگو کند! درخواست او برای رایزنی در سطح بالا کمی قابل تأمل است. احتمالاً سیاستمدار آرژانتینی گمان می‌کند دولت سیزدهم مانند لیبرال‌های حاکم بر پاستور عمل و برای چشم آبی‌ها فرش قرمز پهن می‌کند.

وب‌سایت وزارت امور خارجه فرانسه در تحلیلی از درخواست گروسی برای دیدار با سیدابراهیم رئیسی می‌نویسد: «مدیرکل آژانس بر این باور است که ارتباط با مقامات عالی سیاسی در ایران می‌تواند ثمربخش باشد و او درخواست‌هایش را صریح‌تر بیان کند و زودتر به نتیجه مطلوب برسد.» در ادامه این گزارش آمده است: «گروسی گمان می‌کند رئیسی مانند روحانی است و می‌توان روی او تأثیر گذاشت!» در آخرین روزهای حضور حسن روحانی در دولت، مدیرکل آژانس به تهران سفر و با رئیس‌جمهور وقت دیدار کرد. در این دیدار طولانی دولت تدبیر با بخشی از خواسته‌های آژانس که در مغایرت با قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها بود، موافقت کرد و فرصت برای بازرسی‌های بیشتر آژانس فراهم شد.

■ پیچیدگی برابر پیچیدگی!

پس از استقرار دولت جدید، در اولین گام بدعت‌گذاری‌های فراقانونی کنار گذاشته شد و بازرسی‌های غیرمعمول با محدودیت‌های شدید روبه‌رو گردید. آژانس امکان دسترسی به حافظه دوربین‌های برجامی را از دست داد و تنها امکان ضبط و آرشیو شدن آن برای سه ماه مهیا شد. این اقدام ضربتی شوک شدیدی به آژانس وارد کرد. گروسی با سفر به امریکا رو به خبرنگار بلومبرگ گفت: «جهان باید بداند میان دولت روحانی و رئیسی تفاوت‌های چشمگیر وجود دارد، دولت جدید در ایران می‌گوید هنوز نسبت به بازگشت به برجام بدبین نیست، من روی کلمه «هنوز» تأکید ویژه دارم.»

مدیرکل آژانس انرژی اتمی به خوبی می‌داند دوران بازی سیاسی با دوربین‌های نظارتی به پایان رسیده است و دولت انقلابی برای اقدام، تعارفی با غربی‌ها ندارد. از نظر دولت، آژانس نه یک مجموعه فنی و راهبردی بلکه ابزاری سیاسی در دست امریکایی‌ها و تروئیکای اروپایی است، هر قدر آنها بازی را پیچیده‌تر کنند، جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند مسیر را برای آژانس سخت‌تر و پرپیچ و خم‌تر کند. روزنامه گاردین در شرح وضعیت موجود در گزارشی می‌نویسد: «بر اساس پروتکل الحاقی آژانس توانایی دسترسی به صدها هزار تصویر ضبط‌شده روزانه توسط دوربین‌ها را داشت و می‌توانست آنها را تجزیه‌وتحلیل کند، غربی‌ها این فرصت را با بدعهدی در لغو سریع تحریم‌ها و دادن تضمین آن حالا از دست‌رفته می‌بینند، به عبارت بهتر چشم آژانس در ایران مدتی است کور شده است!»

■ بازکردن پرونده «PMD» توسط محور شرارت

PMD به مطالعات ادعایی غرب در مورد پرونده هسته‌ای کشورمان اطلاق می‌شود، در پرونده PMD، امریکا طی ۱۲سال (۸۲ تا ۹۴) ادعا می‌کرد فعالیت هسته‌ای ایران دارای انحراف از حالت صلح‌آمیز به سوی تولید سلاح بوده است. جمهوری اسلامی ایران ضمن آنکه ادعای امریکا را بی‌اساس می‌دانست، برای اثبات بی‌پایه بودن این ادعا، دلایل و اسناد محکمی نیز ارائه می‌کرد. در دولت روحانی، آژانس در گزارش خود و شورای حکام در قطعنامه پایانی تأکید کرد آنچه درباره انحراف فعالیت هسته‌ای ایران مطرح کرده بود به اثبات رسیده و جمهوری اسلامی ایران برخلاف ادعای دروغ ۱۲ساله تا سال ۲۰۰۹ در پی تولید سلاح هسته‌ای بوده است، به بیان دیگر به دلیل قصور دولت در احقاق حقوق کشورمان، آژانس در پرونده PMD هم ایران را محکوم کرد و هم پرونده را باز گذاشت!

۲۵آذر ۹۴ حسن روحانی در گفت‌وگوی زنده تلویزیونی با تأکید بر مختومه شدن پرونده PMD گفت: «به ملت ایران تبریک می‌گویم به دلیل موفقیت‌های پی‌درپی در صحنه‌های مهم داخلی و بین‌المللی، دیروز روزی بود که یکی از این مراحل موفقیت در صحنه‌های بین‌المللی و سیاسی متبلور شد... در نشست شورای حکام در روز گذشته نه تنها موضوع ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای معروف به PMD خاتمه یافت، بلکه ۱۲قطعنامه‌ای که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ در شورای حکام علیه جمهوری اسلامی ایران تصویب شده بود، لغو شد.» محمدجواد ظریف نیز در گفت‌وگو با روزنامه همشهری اعلام کرد که بسته شدن پرونده PMD حتمی است و کثیرالشک‌ها به شک خود اعتماد نکنند. او با تمسخر منتقدان داخلی ادامه داد: شک درباره این موضوع مثل شک بین رکعت سوم نماز اول و رکعت ششم نماز دوم است! دولت روحانی اطمینان خاطر داد که پرونده PMD برای همیشه بسته شده و به اعماق تاریخ پیوسته است.

بااینکه دولت وقت در قلب رآکتور اراک بتن ریخت و ۹۷درصد ذخایر اورانیوم غنی‌شده را از کشور خارج کرد و صنعت هسته‌ای را به حالت پایلوت درآورد، آژانس، امریکا و تروئیکای اروپا همچنان طلبکار هستند. ماه گذشته محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرد آژانس همچنان پرونده PMD را باز گذاشته و گروسی از ما خواسته است برای انجام تحقیقات بیشتر با او همکاری کنیم. رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان ادامه داد، طرح دوباره این پرونده لازمه حیات شرارت آنها علیه ایران است. توطئه مجدد غربی‌ها علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان نتیجه اعتماد بیجا و ضعف دولت نئولیبرال روحانی است، آنها در حالی که گمان می‌کردند امضای جان کری تضمین است و می‌توان به امریکایی‌ها اعتماد کرد از پشت خنجر خورده و با جیب خالی، کولی رایگان به دشمن دادند.

مقام معظم رهبری با پیش‌بینی نسبت به بدطینتی و خباثت امریکایی‌ها و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مهر ۹۴ فرمودند: «ما با موکول کردن هر اقدامی به گزارش آژانس مخالفیم. ما به آژانس بدبینیم، آژانس نشان داده که هم مستقل نیست، هم عادل نیست، مستقل نیست، زیرا تحت تأثیر قدرت‌هاست، عادل نیست [چون] بارها و بارها برخلاف عدالت حکم کرده و نظر داده. به‌علاوه، اینکه بگویند «آژانس باید بیاید اطمینان پیدا کند که فعالیت هسته‌ای در کشور نیست» این یک حرف غیرمعقولی است. خب، چه‌جور می‌شود اطمینان پیدا کند؟ اصلاً اطمینان پیدا کردن [یعنی چه]؟ مگر تک‌تک خانه‌ها و وجب‌به‌وجب سرزمین کشور را اینها بگردند! چه‌جوری می‌شود اطمینان پیدا کرد؟ موکول کردن به این مسئله، نه منطقی است، نه عادلانه است».

متأسفانه دولت روحانی در شرایط ابلاغی اجرای برجام دچار خطاهای وحشتناک و غیرقابل جبرانی شده است، سطح تخلفات آنها به حدی بود که ظریف به زبان آمد و اعلام کرد از خطوط قرمز تعیین‌شده توسط رهبری بارها عبور کرده است. این تخلفات بزرگ حالا به خسارت‌های سنگین بدل شده است.

■ خوش‌رقصی آژانس در برابر گرند هتل وین

در حالی که قرار است در هشتم آذرماه دور هفتم مذاکرات برجامی برای رفع تحریم‌ها در وین برگزار شود، سفر گروسی به تهران قابل‌تأمل است. غربی‌ها به خوبی می‌دانند مذاکرات آتی نتیجه نخواهد داد.

دلیل این موضوع ساده است، جمهوری اسلامی ایران بر موضع منطقی خود در لغو سریع همه تحریم‌ها و راست‌آزمایی آن پافشاری دارد و حاضر نیست یک کلمه از حکم کلی نظام کوتاه بیاید. در آن‌سو غربی‌ها تنها حاضرند تک‌تحریمی بر برخی اشخاص و شرکت‌ها را بردارند و برای یک دوره کوتاه‌مدت بخشی از تحریم‌ها را لغو کنند. اخیراً سناتور یهودی و ضدایران تد کروز گفته است اجازه نمی‌دهد بایدن امتیاز به تهران بدهد. این سیاستمدار جنگ‌طلب و جمهوریخواه ادامه داده است: برجام برای اجرا نیاز به رأی سنا دارد، در غیر این صورت هر چیزی را که باید امضا کند، رئیس‌جمهور بعدی پاره خواهد کرد!

این موضوع نشان می‌دهد امریکایی‌ها در وین تنها به دنبال رسیدن به یک توافق معلق و کوتاه برای دور کردن جمهوری اسلامی ایران از پیشرفت‌های چشمگیر هستند. به صورت طبیعی دیپلمات‌ها و مذاکره‌کنندگان کشورمان زیر بار چنین توافق شکننده و ضعیفی نمی‌روند و مذاکرات از حالا رو به شکست است. اصرار شدید گروسی برای سفر به تهران را باید از این زاویه نگریست. دشمن برای لاپوشانی این افتضاح دیپلماتیک از حالا به دنبال بهانه‌های واهی و کودکانه می‌گردد و پرونده‌سازی جدید آژانس با توسل به PMD می‌تواند فرصت بیشتری برای امریکایی‌ها فراهم کند. از حالا می‌توان پیش‌بینی کرد که گروسی پس از بازگشت از کشورمان در سناریویی نخ‌نماشده بیانیه می‌دهد و اعلام خواهد کرد که ایران حاضر به همکاری با آژانس نیست. (او در دیدار قبلی از ایران نیز چنین کرد)، همین دست ادعاها برای ادامه بدعهدی اروپا و غرب در وین کافی است.

در آستانه سفر مدیرکل آژانس به تهران لازم است وزارت امور خارجه با پیش‌بینی دقیق از اهداف گروسی او را آچمز کند. ادامه حقه‌بازی و سوءاستفاده از حسن‌نیت کشورمان باید جواب‌های دندان‌شکن داشته باشد. در صورت تکرار بیانیه‌نویسی ضدایرانی از سوی آژانس، نه تنها باید دسترسی محدود به ضبط دوربین‌های برجامی (در تعویض هر سه ماه یک‌بار حافظه) از حیطه نظارت آژانس خارج شود بلکه باید مهروموم‌های دوسویه تنها در اختیار ایران قرار گیرد و دست جاسوسان هسته‌ای در پوشش بازرس آژانس کوتاه گردد. آژانس باید بداند توسل مجدد به PMD هزینه‌های سنگین در حد خروج کامل ایران از NPT دارد.

دشمن خوب می‌داند نمی‌تواند مانند گذشته با تهدید به تحریم، جنگ و ترور از جمهوری اسلامی امتیاز بگیرد. دوران لاف‌زنی و فشار خارجی با حمایت برخی نفوذی‌ها از داخل به پایان رسیده است. مقاومت مردمی در منطقه مشت مذاکره‌کنندگان کشورمان را در وین پر کرده و آنها می‌دانند که میدان پشتیبان محکم آنها در صحنه است. انحراف از مذاکره در گرند هتل وین با غرش رزمندگان جان‌برکف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دریا، آسمان و زمین پاسخ داده می‌شود، قدرت میدانی چنان عظمتی به جمهوری اسلامی ایران داده است که ذخایر اورانیوم از مرز وحشت برای غربی‌ها عبور کرده است، در این ماجرای بزرگ چشم آژانس و بدخواهان کور است.

تحلیل

۴ پیشنهاد فرماندهان فتنه برای صلح با نظام

سعید حجاریان از تئوریسین‌های مرجع اصلاحات و اعتدال، اخیراً در یادداشتی با عنوان «از کجا آغاز کنیم؟» دست به یک ترسیم از وضعیت ایران به زعم خود زده و نوشته است: «در ایران، ما- به لحاظ سرزمینی و تاریخی- از مسیرهای چندگانه انباشت اولیه محروم بوده‌ایم، یعنی نه مازاد محصول به وجود آمده است، نه غارتی صورت گرفته است، نه کشف جدیدی ممکن بوده است و نه با امکان استعمار مواجه بوده‌ایم. برعکس، پس از انقلاب ما عموماً با خشکیدگی مواجه بوده‌ایم که امکان صادرات در زمینه کشاورزی را با اختلال مواجه کرده است، درآمد نفتی‌مان نیز به خصوص در هشت ساله ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در خدمت تولید قرار نگرفته و شغلی ایجاد نکرده است. به عبارتی می‌توان گفت ما اکنون در نقطه صفر قرار داریم یا به بیانی دیگر به قرن ۱۲اروپا پرتاب شده‌ایم!»

او می‌افزاید: وضعیت اکنون ما با چند مؤلفه بحران‌ساز گره خورده است، اولین آنها نرخ بیکاری است که عملاً جمعیت زیادی از کشور- متخصص/غیرمتخصص- را از مدار جامعه رو به توسعه خارج کرده است. دومین آنها تحریم نفتی است که مهم‌ترین منبع درآمد کشور را با اختلال مواجه کرده است و تصویری از بهبود وضعیت آن در دست نیست. سومین آنها مقاومت ایدئولوژیک در برابر ائتلاف‌های اقتصادی بین‌المللی است. بدین نحو که دولت ایران با مجموعه ائتلاف‌های سرمایه‌ساز از زاویه تقابل و نه همبستگی مواجه شده و راه حمایت‌های متعارف نظام اقتصادی جهانی را مسدود کرده است. چهارمین و مهم‌ترین این مؤلفه‌ها الگوی دولت در ایران است. دولت در ایران پس از انقلاب به جای تبعیت از الگوی توسعه‌گرایی (developmentalism) و استقرار ذیل دولت توسعه‌گرا به توسعه‌طلبی (expansionism) میل کرده است و اکنون با دولتی توسعه‌طلب مواجه هستیم که نگاه منطقه‌گرایانه را به نگاه جهان‌گرایانه رجحان داده است. حجاریان سپس چهار اقدام را پیرامون وضعیتی که خود ترسیم کرده است، ضروری عنوان می‌کند:

۱. تغییر الگوی دولت، از «توسعه‌طلبی» به «توسعه‌گرایی»

۲. بازگشت به برجام، پذیرش لوایح و تعهدات مربوط به شفاف‌سازی مراودات اقتصادی و سپس پیگیری همه‌جانبه فرآیند آزادسازی مالی

۳. ائتلاف و ارتباط با سرمایه‌های خارجی و تعامل با نهادهای مالی از جمله بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به منظور ارسال «علامت سلامتی» اقتصاد ایران به نظام اقتصادی بین‌الملل

۴. جلوگیری از نشتی دولت در دو حوزه «اشتغال» و «حیف و میل» که به وسیله مدیریت منابع انسانی و مالی دقیق صورت می‌گیرد.

بدین معنا که در کوتاه‌مدت، از الگوی اقتصادی سیاسی مبتنی بر «غارت» عبور کرده و به نظام اقتصادی بهنجار گذار شود. قبل از هر چیز باید بر ارتقای این نکته در فهم عمومی تأکید کرد که انتظار صلاح و فلاح از کسانی که در بروز خطرات امنیتی و اقتصادی و سیاسی بزرگ در سرنوشت یک کشور و مردمش سهم اصلی داشته‌اند، یک انتظار بیجا و فاقد خرد است. اشاره مستقیم ما در این زمینه به شخص آقای حجاریان است که مستقیماً در روی کار آمدن دولت‌های اصلاحات و اعتدال نقش داشته است، او در اشاره به راه‌حل مشکلات، به سمت خیابان اشاره می‌کند، روزی نیست که از آتش گرفتن جنوب تا شمال تهران در فتنه اقتصادی حرف نزند و در فتنه ۸۸ و دروغ بزرگ آن نیز دخیل بوده است.

در گام بعدی نیز باید به القائات و پیش‌فرض‌های غلط اعاظم اصلاحات از اوضاع کشور اشاره کرد؛ القائات و پیش‌فرض‌های غلطی که به زعم تحلیل‌های ما برای یک هدف شوم ساخته و پرداخته شده‌اند... مسئله دیگر «بزرگنمایی از تحریم» است که حجاریان و دوستان او با اینکه می‌دانند این تحریم‌ها از روز نخست انقلاب در اعلای درجه علیه ما به کار گرفته شده‌اند و اثر آنها امروز به کمتر از ۲۰درصد رسیده است، اما بسته به کارویژه سال‌های اخیر خود یعنی فتنه اقتصادی به ناگاه بر بزرگ بودن این تحریم‌ها اصرار ورزیده‌اند یا همینطور اصرار بر غارتگری و حیف و میل بیت‌المال با فساد سیستمی در ایران(!) که یک ادعای کاملاً غلط است و نه تنها هیچ سندی برای آن وجود ندارد بلکه مدعیانش می‌ترسند از اینکه بگویند فساد همواره و حتی در حکومت امام معصوم(ع) نیز وجود داشته و تهمت فاسد بودن به یک حکومت در صورتی است که آن حکومت با مفسدان شناخته شده برخورد نکند و قس علی‌هذا...

با دانستن این معلومات، اکنون بهتر می‌توان راجع به اقدامات پیشنهادی حجاریان که عملاً خواسته‌های امریکا از ایران هستند، قضاوت کرد! پیشنهاداتی دشمنانه با پیش‌فرض‌های القایی غلط به سرزمین و حکومتی که توانسته است فقط در ۴۰سال اول عمر خود به یک هژمون بزرگ سیاسی، اقتصادی و امنیتی در جهان تبدیل شود، مرزهای گفتمانی و حمایتی خود را از شرق دور تا سواحل مدیترانه و جنوب قاره امریکا بگستراند و درباره تحریم‌های دشمن کاری کند که بارها از زبان همان دشمن بشنویم: «تحریم‌ها در قبال ایران صرفاً به ابزاری روانی تبدیل شده‌اند»...

منبع: مشرق

بمارستان

سعید همتی

ضرب‌شست نمایندگان به وعده‌های «صدمن یه‌غاز» زنگنه

طلسم ۲۰ساله «کرسنت» شکسته خواهد شد؟

بحث و چالش پیرامون پرونده موسوم به «کرسنت» در مجلس شورای اسلامی داغ شده است و برخی از وکلای ملت طی روزهای اخیر از ضرورت برخورد دستگاه قضا با متخلفان این پرونده بعد از قریب دو دهه سخن به میان آورده‌اند، بر همین اساس روز گذشته نیز ۲۵۳تن از نمایندگان مجلس طی نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه، خواستار برخورد شدید با متخلفان قرارداد خسارت‌بار کرسنت شدند.

تکاپوی مجلس پس از آن گستره بیشتری به خود گرفته است که خبرگزاری رویترز خبری را روی خروجی خود قرار داد که بر اساس آن، شرکت اماراتی «دانا گاز» (شرکت مادر کرسنت پترولیوم) اعلام کرده است، دیوان داوری بین‌المللی، شرکت ملی نفت ایران را به علت اختلاف بر سر تأمین گاز با شرکت دانا گاز به پرداخت جریمه ۶۰۷/۵میلیون دلاری معادل ۱۸هزارمیلیارد تومان محکوم کرده است. رقم مذکور تنها مربوط به ۸/۵سال از مدت‌زمان ۲۵ساله قرارداد کرسنت است چراکه تاکنون رسیدگی به پرونده کرسنت در قالب دو پرونده در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۴- ۲۰۰۵ و ۲۰۳۰- ۲۰۱۴ در دستورکار دیوان داوری بین‌المللی قرار گرفته و جریمه ذکر شده تنها مربوط به بخش نخست این قرارداد است.

■ ۲۰سال قبل

قرارداد کرسنت قرارداد فروش گاز ایران به شرکت اماراتی کرسنت بود که در دولت دوم اصلاحات منعقد شد که بر اساس آن مقرر شده بود از سال ۲۰۰۵ ایران به میزان روزانه ۵۰۰میلیون فوت مکعب گاز به امارات صادر کند. به دلیل عدم اجرای تعهد از سوی ایران، شرکت کرسنت اختلاف را به دادگاه بین‌المللی لاهه ارجاع داد. جلسات مربوط به رسیدگی به اختلافات این قرارداد در سال ۱۳۹۲ در لاهه برگزار گردید و این دادگاه در سال ۲۰۱۳ رأی داد این قرارداد از لحاظ قانونی لازم‌الاجراست و طرف ایرانی باید تعهدات خود را عملی کند. با آغاز دولت تدبیر و امید در سال ۹۲، بسیاری معتقد بودند چنانچه بیژن زنگنه به عنوان وزیر نفت به مجلس معرفی شود، طرف ایرانی برای ارائه ادله به دادگاه دچار نقص خواهد شد و نمی‌تواند تخلفات صورت گرفته در پرونده کرسنت را به اثبات بکشاند و نهایتاً دادگاه ایران را محکوم خواهد کرد.

احمد امیرآبادی، نماینده قم در همین باره می‌گوید: «زمانی که حسن روحانی رئیس‌جمهور دولت یازدهم زنگنه را به عنوان وزیر نفت به مجلس نهم معرفی کرد، اطلاعاتی به دست ما رسید که اگر زنگنه وزیر نفت شود، قطعاً رأی دیوان داوری لاهه علیه ایران صادر خواهد شد زیرا جمهوری اسلامی مدعی بود در این پرونده رشوه داده شده و این قرارداد خدشه‌دار است و تلاش داشته فسخ قرارداد را اعلام کند.» وی در ادامه می‌گوید: «سؤالی که از طرف دیوان لاهه مطرح شد این بود که اگر در قرارداد کرسنت رشوه داده شده، چرا فردی که در زمان انعقاد قرارداد مسئولیت داشته، مجدداً به عنوان مسئول انتخاب شده است. در آن مقطع، جلسه‌ای با حضور احمد توکلی، حسین نجابت، علیرضا زاکانی، الیاس نادران، علی‌اصغر زارعی، بیژن زنگنه و بنده تشکیل شد و بنده اسناد و مدارکی را ارائه دادم مبنی بر اینکه اگر زنگنه وزیر نفت شود، ایران در پرونده کرسنت متهم خواهد شد.»

از جمله ایراداتی که به قرارداد کرسنت گرفته شد این بود که قیمت گاز ایران و ارتباط فرمولی آن با قیمت جهانی نفت(که از زمان انعقاد قرارداد کرسنت تا دهه آینده از ۲۰دلار به ۱۰۰دلار در هر بشکه افزایش یافت) بسیار ناچیز است، آن هم در حالی که این فرمول ناشیانه سایر قراردادهای گاز ایران از جمله قرارداد با ترکیه را نیز تحت تأثیر خود قرار داده بود. دیگر اینکه تعیین محل تحویل گاز در آب‌های سرزمینی ایران در جزیره ابوموسی روی سکوی مبارک، ادعاهای کشور امارات درباره جزایر سه‌گانه را نیز تقویت می‌کرد. اخذ رشوه‌های کلان توسط تیم وزارت نفت وقت با محوریت مهدی هاشمی نیز از جمله دیگر نقاط بحث‌برانگیز این قرارداد بود.

■ وعده‌های «صدمن یه‌غاز» زنگنه

جالب این است در تمام هشت سالی که دولت تدبیر و امید روی کار بود، رئیس‌جمهور و وزیر نفت که متهم اصلی پرونده بود در گفت‌وگوهای متفاوت محکوم شدن ایران در دادگاه را یک امر محال قلمداد می‌کردند، به عنوان نمونه زنگنه، وزیر نفت سابق در حاشیه بیست‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی در سال۹۶ در جمع خبرنگاران می‌گوید: «همان‌طور که رئیس‌جمهور گفتند، ایران در پرونده کرسنت هیچ جریمه‌ای نشده است و اصلاً خبری از اعداد نجومی و فوق نجومی نیست، ما در موضوع کرسنت مدعی هستیم که چرا یک عده‌ای با بی‌تدبیری اینقدر کشور را در معرض خطر قرار دادند.» زنگنه زمانی که می‌خواست از مجلس رأی اعتماد بگیرد وعده حل‌وفصل ۱۵روزه پرونده کرسنت را داده بود؛ وعده‌ای که طی هشت سال هیچ‌گاه رنگ واقعیت به خود نگرفت و نهایتاً به جریمه ۱۸هزارمیلیاردی (که تنها مربوط به بخشی از قرارداد است) منتهی شد. حالا منتخبان مردم در مجلس بعد از گذشت ۲۰سال از دستگاه قضایی درخواست کرده‌اند یکبار برای همیشه تکلیف پرونده مفسده‌برانگیز کرسنت را روشن کند و با عوامل آن برخورد شود. در بخشی از نامه وکلای ملت خطاب به رئیس دستگاه قضا آمده است: «متأسفانه کسانی که در تنظیم قرارداد [کرسنت] به صورت مفسده‌آمیز نقش داشتند، با برخی اقدامات و عدم دفاع صحیح موجب تضرر کشور در رأی منفی دیوان داوری شده‌اند، با وجود انتقال ایران از میدان مشترک به امارات متأسفانه شرکت کرسنت اقدام به طرح دعوی در دیوان داوری نموده و شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۳۹۳ محکوم به نقض قرارداد شده و اخیراً نیز با پایان دولت دوازدهم محکوم به پرداخت خسارت شده است.»

در بخشی دیگر از نامه آمده است: «از آنجا که پایه و ارکان این قرارداد بر مفاسد گسترده استوار بوده است و با وجود رأی قضایی ضعیف صادره در سال ۱۳۹۱ اقدام مؤثری از سوی قوه قضائیه جهت برخورد با رشوه‌دهندگان و رشوه‌گیرندگان و افراد اصلی مؤثر در انعقاد قرارداد باطل مذکور صورت نگرفته است، لذا مستدعی است دستور فرمایید در اسرع وقت نسبت به همه متهمان فساد و همه کسانی که با انعقاد این قرارداد به صورت شبکه‌ای موجب اخلال در نظام صادراتی ایران و لطمات عمده به منافع و آبروی ملت ایران شده‌اند، برخورد قاطع و قانونی صورت گیرد.»

■ تلخی بی‌پایان کرسنت

با درخواست رسمی منتخبان ملت در روز گذشته و انباشت مطالبات جامعه در برخورد با فسادهای صورت‌گرفته در پرونده کرسنت باید منتظر ماند و دید که حجت‌الاسلام اژه‌ای برای ترمیم اعتماد عمومی حداقل در این بخش